



۲۶/۰۳/۲۰۱۵



قمر یلدا کرزی

## در عزای تو تمام دل‌های منصف سخت میگیرند!



آسمان به معصومیت، بیچارگی، درد و شکنجه فرخنده به ماتم نشسته و مانند هزاران زن اسیر و محکوم بخاطر روح و روان عاری از تزویر فرخنده سوگواراست، اشک میریزد، آه و ناله، شیون و فریاد میکند تا درد ها و رنجهای زنان ستمکشیده را به گوش افلاک برساند و از تاریخ تاریکیها و از دل کور جنایتکاران و تبهکاران شکوه سردهد، درد و رنج، ظلم و ستم و سرنوشت نا بهنجار زنان را حکایت کند و بپرسد این همه جفا، خشونت، مظلوم و ناروا تا به کی؟ برای چه؟ و چرا؟ این ها که با تولد زن، ارمغان نیامده و زاده نشده است.

آیا انسانهای درنده گاهی با خود تعمق نموده اند که مقام شامخ و والای مادر، آن الهه صفا و محبت را که بهشت زیر پای اوست درک کرده اید؟ بلی مادر یک زن است، زنی که ترا در وجودش پرورش داده و تمام آرزوها و خواستهایش را در تو جستجو میکند، بهر قدمت دعا و ثنا میخواند مگر اینطور نیست؟ آیا زن همان خواهری که برایت جان خود را فدا میکند، بتو افتخار میکند و میبالد چنین نیست؟ آیا زن همان همسر و همراز و غم شریک زندگی شوهر در روز های سخت و دشوار نیست که با فقر و بیچارگی و رنج او میسازد و اطاعت میکند؟ آیا زن همان دختری که پدرش را به سرحد پرستش دوست دارد و برای او همکار و فرمانبردار است، نیست؟ بلی: مگر فراموش کردید، فقط دیروز جنگهای تباه کن و خانمانسوز وطن عزیز ما را که زنان، این قشر آسیب پذیر، چه با صبر و شکیبایی تحمل درد کردند. بر مرگ شوهر فرزند و بردار و پدرش مویه کردند. مگر فراموش کردید اشکهای مروارید گونه پاک و بی آرایش آنانرا در راه تان که نثار کردند؟

جای بس تأثر و تأسف است که زنان وطن ما از ارزشهای انسانی و حقوق اسلامی خویش بهره مند شده نمیتوانند زیرا یکتعداد کور دلان و تاریک بینان از روشنی حق و تئویر الهی آگاهی ندارند و حقوق حقه زنان را از ایشان میدزدند.

جای دارد که اشک خون بریزیم تا دشت و دامن، کوه و صحرا مانند خون فرخنده بی گناه لاله گون شود و لاله های داغدار همچو قلب کوچک و از تنش آفتاده ای او نمایان شود.

فرخنده این دختر معصوم و بیگناه شهید شد اما با چه شکنجه و زجر مگر خداوند عاملین این قضیه را میبخشد؟ نی هرگز نی خداوند دیر گیر و سخت گیر است.

اشخاصیکه درین قضیه دخیل اند باید نظر به قانون اسلامی به کیفر اعمال شان رسانیده شوند و امتحانی را که بالای فرخنده شهید انجام داده اند بالایشان تطبیق شود تا درد و سوز، یأس و ناامیدی فرخنده را با گوشت و پوست خود شان احساس کنند و در آن محلی که فرخنده با چشمان نا امید از انسانیت، پر اشک، تن ناتوان و قلب مجروح مانند گدیگ تکه ای که آله بازی اطفال بی عاطفه شده باشد، حیات او را ببازی خونین گرفتند.

فرخنده شهید در آن لحظات به یقین به هر طرف نگاه کرده تا اگر کسی او را نجات دهد و از درد و شکنجه اش بکاهد اما انسان پیدا نشد و خموشانه شمع زندگی اش پایان یافت. فقط آنچه در مغزش در آن لحظه درد ناک خطور میکند این است که: از افغانها شهامت، مردانگی، ترحم، صله رحم، مروت ناموس داری، ننگ و غیرت، عفو و گذشت، که به آنها افتخار میکردند کجاست؟ افغانیت کجاست؟ انسانیت و اسلامیت و ترحم در کجاست؟ این ها مفاهیمی اند که فقط برای زیبایی جملات استعمال شده و وجود عینی و عملی ندارند. آری آن نامرد های درنده تر از درندگان و فریبکار با القاب کاذب در نزد هر انسان با انصاف مرده اند و تا پایان تاریخ بشریت منفور شده اند.

فرخنده عزیز روح ات شاد و بهشت برین نصیب باد، یادت جاودان است. ای دختریکه معصوم و پاکی که تا آخرین لحظه با سر بلند فریاد زدی که من قرآن را نسوختانه ام اینرا دروغ میگوئید. تو چون حماسه بزرگ در تاریخ افغانستان به جاودانگی پیوستی. مقام والای انسانیت مبارک تو باد.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

---

د پانډو شمېره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلېکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ